

از لابلای یادداشت‌ها و نیشته‌های روزمره ام

درنگی بر چگونگی نظارت ایالات متحده بر افغانستان و منطقه

حدود نظارت و تفاوت آن با دخالت سیر حوادث به کجا خواهد انجامید؟

برنامه‌های منطقی‌بمنظور دستیابی به اهداف مورد نظر
چگونگی آرایش قوت‌ها بر چه بنیادی استوار می‌باشد؟
تحرکاتی در عرصه‌های سیاسی و نظامی
نتیجه‌گیری‌هایی در زمینه

مفاهیمی چون "ارزیابی" و "کنترل" مشابه مفهوم "نظارت" بوده و در بسیاری از مواقع در کنار یکدیگر به کار برده می‌شوند. اما باید گفت، نظارت با "ارزیابی" متفاوت می‌باشد. زیرا اگر در "نظارت"، بررسی‌خلافکاری‌های عاملین در یک سازمان مورد توجه باشد، غایت "ارزیابی" آن است که سرانجام در یک برنامه چه چیزی عاید شرکت‌کنندگان می‌شود.

در آغاز بحث کنونی، تذکر این مسأله لازمی پنداشته می‌شود که نظارت به معنای مشاهده تفصیلی از وضعیت و قضیه خاص بوده که بمنظور تشخیص، باید تدابیری در نظر گرفته شود، از جمله:

- نظارت در طول مدت زمان نسبتن طولانی باید انجام گیرد، در اصل، نظارت جمع‌آوری و دریافت تعداد زیاد معلومات را در برداشته و حین ارزیابی وضعیت و یا قضیه مورد بررسی، بویژه حین تشخیص خلاف رفتاری ممکنه معیارها و موازین، بمثابة احکام مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنان، بکارگیری وسایل و میکانیسم‌هایی بمنظور تعیین آنکه وضعیت با معیارها و موازین تعیین شده چه نسبت دارد، از اهمیت بسزایی برخوردار بوده که بگونه معمول، محصول نظارت عبارت از ارائه گزارش درباره وضعیت بوده و ارزیابی وضعیت را احتوا می‌نماید که بنحوی از انحأ پایه فعالیت‌های آینده را تأمین می‌نماید.

نظارت می‌تواند دایره وسیع حقوق را احتوا نماید، بگونه مثال برای اینکه امکان روشن ساختن فعالیت حکومت در رابطه با حقوق مدنی و سیاسی را دریافت کرد. نظارت می‌تواند متوجه اهالی بطور کلی و یا می‌تواند به اقتضای معین جا معه، بگونه مثال اطفال، اقلیت‌های اثنیکی، کارگران، محبوسان و غیره متمرکز باشد.

هدف اساسی نظارت در آن نهفته می‌باشد تا دقیقین تعیین گردد که در وضعیت حاضر چه چیز با موازین مطابقت نداشته و تذکر یابد که بمنظور اصلاح آن چه می‌توان انجام داد. علاوه بر این، نظارت بمنظور حصول امکان هشدار پیشگیرانه عبارت از ارائه ارزیابی وضعیت معین می‌باشد که در آن احتمال بروز منازعه دیدخل گردد.

این واقعیت نباید فراموش خاطر ما گردد که خدمات برنامه ریزی شده ستراتیژیک انجمن همکاری های مرزی بیش از همه بر فعالیت های ویژه ناتو در کشورهای همسود واقع در آسیای مرکزی عطف توجه می نماید. طبق اظهارات انجمن تحلیلگران، سخن در مورد مهمترین مسأله مورد بحث یعنی درباره مناطق انرژی خیزمی باشد. مناطق و محلاتی که از رهگذر منابع انرژی نهایت غنی بوده و از میدان های وسیع منابع انرژی برخوردار می باشند. می توان از جمله، منطقه و محل بالتیک - بحیره سیاه و کسپین را نامبرد. ایالات متحده در صدد تعیین مسیر لوله انتقال نفت آسیای مرکزی با دور زدن روسیه می باشد. بمنظور دستیابی به هدف متذکره، امریکایی ها خود را ناگزیر به حفظ و تداوم نظارت بر لوله انتقال نفت باکو - تبیلیسی - جیهان و تحکیم حضور نظامی در بحیره سیاه و بحیره کسپین وحتا در بحر بالتیک محسوب می نمایند. ایالات متحده بگونه ویژه ای قبل بر این در آذربایجان به استقرار قوت های بحری واکنش سریع آن کشور تحت نام "گارد کسپین" مبادرت ورزیده است.

مطابق اظهارات ناظران امور، آخرین گزینه که در کنار آرزومندی بمنظور دسترسی و نظارت بر غنی ترین منطقه انرژی کسپین و بربرگراهای انتقال مواد یادشده "اروپا - آسیا"، ایالات متحده بدنبال اهداف ذیل می باشد: خروج کشور های آسیای مرکزی از تأثیر و نفوذ روسیه، منزوی نمودن ایران و آمادگی هایی بمنظور تقابل و رویارویی با چین. بگفته کارشناسان پاکستانی، ایالات متحده کلید تحکیم مواضعش در آسیای مرکزی را در تأمین نظارت آن کشور بر افغانستان و منطقه محسوب می نماید تا چنین وضعیتی، در واقعیت امر، راه ساده تر و راحت تری بمنظور تجارت، انتقال انرژی و انتخاب کریدور های دیگر را برای آن کشور و متحدینش از جمله پیوند آسیای مرکزی با بحیره عرب و اقیانوس هند مساعد و مهیا نماید.

در مورد استفاده ابزاری از تروریزم بمثابه یک روش جنگی، باید متذکر گردید که در این مقطع می توان از مبارزه و رقابت های ژئوپولیتیکی ایالات متحده، چین، هند و سلسله کشورهای دیگر به ارتباط انتقال لوله های نفت "ای.پی" و "تاپی" در خط السیر "ایران - پاکستان - هند" و همچنان در مسیر "ترکمنستان - افغانستان - پاکستان" و نیز مبارزه و رقابت هایی بمنظور استفاده و بکارگیری از بندر "گوادر" و مجموعه بندری "کنرک" در همجواری پایگاه بحری - نظامی چاه بهار ایران (واقع در منطقه سیستان - بلوچستان ایران)، یادآوری بعمل آورد. دولت های پاکستان، ایالات متحده و چین به طرح یادشده اهمیت منحصر بفردی قایل می باشند. چه بندر گوادر بمثابه بخش مهم طرح ستراتیژیک پاکستان در عرصه انتقال و حمل و نقل بین المللی بمفهوم وسیع کلمه میان افغانستان - پاکستان و کشورهای آسیای مرکزی و بخش های شرقی روسیه و مناطق غربی چین محسوب می گردد.

بایست متذکر گردید که بندر گوادر پاکستان و همچنان بندر چاه بهار ایران، بمثابه در ورودی به بحر هند و آب های آزاد بین المللی، بویژه برای کشورهای آسیای مرکزی بحساب می آید. از آنجاییکه در کشور عزیز ما افغانستان، قوت های بین المللی حضور داشته و همچنان مناسبات وسیع و همه جانبه ای با پاکستان نیز (گرچه با تفاوت اندکی به مقایسه قبل)، موجود می باشد، بندر گوادر بمثابه در ورودی تداخل ایالات متحده به آسیا محسوب می گردد.

نحوه ارتباط جدید غرب با مسأله مسیر انتقال لوله نفت، چین و کشورهای عربی خلیج را تحریک خواهد نمود تا به سرمایه گذاری هایی در زمینه متوسل گردند. در چنین شرایطی هند با در نظر داشت تضادهای عمیقی که با پاکستان دارد، آرزومندی اش را در امر سرمایه گذاری در تأسیسات بندری چاه بهار اظهار نمود.

این مسأله قابل یادآوری پنداشته میشود که در شرایط کنونی، استفاده ابزاری از تروریزم بمثابه یک روش جنگی کاربرد وسیعی بخود اختیار نموده است. از نقطه نظر و طرز دید طبیعت و خصلت کنونی تهدیدات تروریستی، ظاهراً در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر به خطرات و تهدیدهای یادشده افزایش بعمل آمده است، چه، افزایش رو به تزاید تقاصای انرژی در سازمان های جهانی، بخودی خود تروریزم را بمثابه وسیله حل و فصل معضلات انرژی و امنیتی سیاسی از قوه بفعل مبدل می نماید.

در اینجا یادآوری این مسأله لازم می پنداشته می شود که از جمله عوامل مهم و قابل ذکر موجودیت تهدیدهای تروریستی را می توان بشرح ذیل تقسیم بندی نمود:

- ۱- تحقق فعال مرحله و بخشی از ستراتیژی ایالات متحده و اقمارش بمنظور بی ثبات سازی اوضاع؛
- ۲- توسعه ارتباطات پایدار جغرافیایی با گسترش و افزایش فعالیت ها و اعمال تروریستی در خصوص انتقال هیدروکا

ربن ها؛

۳- اجرای عملیات های اشتباه آمیز و نادرست تحت نام های مبارزه با شبه تروریسم و انجام برنامه های نهایت سری و "ساختگی" و در نهایت امر بمنظور به اصطلاح مدیریت تروریسم، افکار جدیدی بکار گرفته می شود؛

۴- تحول کیفی و معمولی اقدامات تروریستی فردی و تبدیل آن به تروریسم بین المللی و استفاده کاربردی از آن بمثابه ابزار "دفاع از منافع" تشکیلات فراملتی مجموعه ای از دولت ها بمنظور انجام فعالیت ها و برنامه های سری نظامی و آغاز جنگ ها، بخصوص زمانی که مجموعه ای از دولت ها ویا گروهایی از بخش های اطلاعاتی و استخباراتی در مورد سایر موضوعات سیاست بین المللی به اقدامات عملی متوسل می گردند.

در نهایت امر، از تروریسم بمثابه یکی از جمله ابزار سرهم بندی و انجام جنگ هایی با اشکال و صور کاملن نو و جدید استفاده بعمل آمده و بنام جنگ های "نامنظم" و "غیرمتعارف" نامگذاری شده اند.

با در نظر داشت سایر فاکت های موجود در زمینه، چنین پنداشته می شود که:

- آنها در صدد دستیابی به مواد رادیواکتیف نیز می باشند، فعالیت ها و عملکردهای آنها در زمینه یادشده کنترل نشده است. نباید فراموش نمود که از رهگذر تروریسم رادیولوژیک نیز عملن خطراتی موجود می باشد؛

- قاچاق غیرقانونی مقادیر بزرگ و عظیم اسلحه خفیف که در نوع خود درگرم نگهداشتن آتش جنگ و برخورد های منطقی بکار می رود؛

- معضلات داخلی و درونی اجتماعی - اقتصادی، موجودیت پدیده های بحران زأ در اقتصاد و همچنان موجودیت فساد گسترده در مجموعه ارگان های دولتی، جنایت های سازمان یافته، مهاجرت های غیرقانونی و معضل بیکاری و به حاشیه راندن بخش عظیم نیروی مستعد بکار و در نتیجه وسعت دامنه محتاطان به مواد مخدر و روسپیگری، تشدید معضلات دیموگرافیکی، همه اینها بمثابه مجموعه بهم پیوسته، شرایط را بیش از پیش برای ذایش و پیدایش بحران در کشور مساعد و مهیا می نماید.

- وضعیت های فوق العاده بمثابه یک کل، ناشی از فاجعه های تکنولوژیکی پدید آمده توسط نیروهای تروریستی ذید خل در قضایای مربوطه محسوب می گردد. اگر طیف واقعی مسأله بمثابه برخی از مجموعه تهدیدات تروریستی شمرده شود، پس در چنین وضعیتی نه تنها منطقه و محل مشخصی از زندگی، بلکه کلیت جهان در مجموع، تحت شعاع خطرات وسیع ناشی از تهدیدهای تروریستی قرار دارد. بخصوص چنین خطراتی، متوجه ارگان های دولتی و بخش های حیات سیاسی گردیده و بیش از پیش زمینه های انجام اقدامات تروریستی را مساعد و مهیا خواهد نمود.

کشور عزیز ما افغانستان بگونه غیر قابل تصویری با معضلات و مشکلات وسیعی دست و پنجه نرم می نماید. قیل از همه و بیشتراز سایر موارد در سرزمین کشور ما معضلات اقتصادی حرف اول را می زند، درگیری های یخ زده، بگمان اغلب وبگونه گسترده ای در معادلات رقابت های ژئوپولیتیک بمنظور بی ثبات سازی وضعیت، از جمله در کشور ما از کاربرد وسیعی برخوردار می باشد.

در اینمورد، از مشکلات قومی موجود در کشور عزیز ما در کنار عوامل موجود در امر بی ثبات سازی کشورهای منطقه نیز استفاده ابزاری بعمل می آید. چنین تصور می گردد که بسیاری از دول نیرومند جهان بمنظور دستیابی به اهداف مورد نظرشان و موفقیت در امر مبارزه ژئوپولیتیک، سیاست استعمار کهن مبنی بر "تفرقه انداز و حکومت کن" را پیشه نموده اند.

بادر نظر داشت وضعیت ذکر شده و با موجودیت چنین پدیده ها، در این مقطع می توان از حضور وسیع عناصر خرابکار در کشور نامبرد، نیروها و عناصر یادشده بویژه تحت نام "اسلام" و "مبارزان اسلامی" به انجام فعالیت ها و عملکردهای متوسل می گردند که از لحاظ بنیادی با معتقدات و باورهای مردم و باشندگان کشور عزیز ما هیچگونه سرسازگاری نداشته و خلاف منافع حیاتی آنها چه گل هایی که به آب نمی دهند. این واقعیت کنون بهمگان واضح و روشن گردیده که غرب و حلقات استخباراتی آن در پشت اینهمه فعالیت ها و اقدامات خرابکارانه قرار داشته و در پراتیک و عمل، دفاع از چنین گروهها و پشتیبانی از عملکردهای اینچنینی، جزیی از ستراتیژی آنها را تشکیل می دهد. اهداف حلقات استخباراتی در کمپنی های خصوصی جنگی تحت عنوان گروه بندی هایی از قبیل "دکتوران بدون مرز"، سازمان ها و گروه بندی های اقتصادی و اجتماعی، گروه های آموزشی، "صندوق های تعاونی"، مراکز کلتوری، شرکت های ساختمانی و الخ نهفته

می باشد.

بدین ترتیب، تروریسم مذهبی ممکن از این واقعیت که در تارکی از آنها علیه اشخاص و گروه‌های معین استفاده ابزاری بعمل می‌آید، یا از آن آگاه نیستند و یا اینکه از موضوع مطلع اند و اما از اصل و واقعیت مطلب طفره می‌روند. قابل تذکر می‌باشد که مدیریت نیروهای متذکره در چندین مرحله بصورت غیرمستقیم و در نوع خود بگونه انعطاف ناپذیری انجام می‌گیرد. بصورت کل و در ظاهر امر می‌توان اظهار داشت که تروریست‌های بین‌المللی مذهبی از مرکز واحدی رهبری گردیده و بصورت مستقیم و غیرمستقیم توسط عرب‌ها، امریکایی‌ها، انگریزها و... هدایت می‌گردند. بنابراین می‌توان ادعا نمود که حاکمیت‌های سیاسی ایالات متحده، عربستان، پاکستان، ترکیه و انگلستان بمثابه قدرت‌های حاکم بر جامعه وحتا سی.آی.ای. بمثابه سازمان استخباراتی، بگونه مستقیم و واضحی بنفع گروه‌های فراملتی و قبل از همه بنفع کمپنی‌های نفتی و استخبارات داخلی کشورهای متذکره مصروف ارائه خدمات می‌باشند.

در نتیجه، مطابق بررسی‌های کارشناسان امور، با تشدید وضعیت متذکره، منطقه ما شاهد درگیری‌هایی خواهد بود که نه تنها شامل حال کشور ما، بلکه دربرگیرنده همه محلات واقع در این منطقه بوده و آنها را مورد تهدید و شانتاژ قرار خواهد داد که قبل از وقوع حوادث یادشده باید آمادگی‌های لازمی جهت مقابله و مواجهه با خطرات احتمالی آن اتخاذ گردد.

همگان شاهد آن می‌باشند که امکان سیر حوادث و چگونگی وضعیت ژئوپولیتیکی منطقه ممکن دستخوش تحولاتی گردد. طی سال‌های حاکمیت دموکرات‌ها در ایالات متحده، اداره آن کشور از وسعت و گسترش حضور نظامی امریکا بی‌ها در اراضی افغانستان اطلاع داده و وعده سپرد تا بیش از ۱۷ هزار نظامی اضافی به کشور ما اعزام نماید که در نوع خود از تصامیم نهایت دشوار برای اداره کشور نامبرده محسوب می‌گردید، چه تصمیم متذکره، قبل از بررسی سترا تیژی آن کشور در مورد افغانستان اتخاذ گردید. در واقعیت امر، تغییر ستراتیژی اتخاذ شده ناممکن بنظر می‌رسید، اما تنها و صرف اشکال و شیوه‌های تطبیق عملی آن دستخوش تغییراتی گردید.

بخاطر داریم که طی سال ۱۳۸۸ اقدامات و عملکردهای دموکرات‌های حاکم بر ایالات متحده، بویژه در عرصه سیاست خارجی توسط جمهوری خواهان مورد انتقاد شدید قرار گرفت. در این موقع، چینی که متصدی مقام معاون ریاست جمهوری آن کشور بود، او باما را به نسبت تحت خطر قراردادن نیروهای نظامی آن کشور، مورد سرزنش قرار داد. جان بولتون، معاون وزارت امور خارجه اداره بوش و نماینده قبلی آن کشور در سازمان ملل نیز دولت او باما را در زمینه بیاد انتقاد گرفت.

همچنان، بسیاری از سیاستمداران ایالات متحده، از جمله مشاوران هیلری کلنتن در صدد شده و پیشنهاد نمودند که به منظور نایل گردیدن به اهداف مطروحه، وسایل و طرق باصطلاح "نرم" باید بکار بسته شود. بگونه مشخص به استفاده و بکارگیری از طرق و وسایل "همگرایی" زیگنوف بیژنسکی و مکتب قبلی ژئوپولیتیکی اتلانتیزم توصیه گردیده بود که نه تنها تحکم ایالات متحده، بلکه تسلط جهانی آن کشور، جزء برنامه عمل‌شان به حساب می‌آمد. بسخن دیگر، سلسله مراتب مناسبات بین‌المللی نه بر مبنای اجرای اعمال قوه، بلکه بر استفاده از طرق و وسایل نرم افزار و معافیت‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی پیشبینی گردیده بود.

در چنین وضعیتی پر آشوب و مملو و آکنده از دلهرگی باشندگان جهان، این ضرورت حیاتی احساس می‌گردد تا بمنظور جلوگیری و لگام زدن سرکشی‌های جنگ افروزان تا دیر نشده، به اقدامات و عملکردهای موثر و بازدارنده ای متوسل گردیده و جهان را به جهانیان به مکان امن و فارغ از هر نوع دغدغه امنیتی مبدل نمود.

نهم ماه جون سال ۲۰۱۸